

ابعاد سلامت و آسیب‌شناسانه فرزندپروری در خانواده‌های ایرانی: یک پژوهش کیفی

ولی‌اله رضائی*^۱، محمدسعید عبدخدایی^۲، زهرا طبیبی^۳، حمیدرضا آقامحمدیان شعرباف^۴

۱. دانشجوی دکتری روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد. مشهد، ایران

۲. نویسنده مسوول (دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد. مشهد، ایران)

۳. دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد. مشهد، ایران

۴. استاد گروه روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد. مشهد، ایران

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول است.

یافته‌های اصلی

• روش‌های فرزندپروری والدین ایرانی عبارتند از: طرد؛ محبت/حمایت؛ خدمات افراطی؛ انعطاف‌ناپذیری؛ ساختار متعادل؛ آشفتگی؛ اجبار؛ قاطعیت/حمایت از خودمختاری؛ اهمال/انفعال

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی ابعاد سلامت و آسیب‌شناختی فرزندپروری در خانواده‌های ایرانی بود. طرح این پژوهش کیفی و شیوه مورد استفاده در آن، طرح داده‌بنیاد است. جامعه پژوهش شامل کلیه والدین مسلمان دارای فرزند بالای ده سال ساکن تهران و کرج در مقطع زمانی تابستان ۱۳۹۵ تا تابستان ۱۳۹۶ بود. نمونه مورد بررسی ۴۴ نفر از والدین مسلمان ایرانی بودند که با مصاحبه نیمه‌ساختار یافته مورد مطالعه قرار گرفتند. داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، بر اساس نظریه داده‌بنیاد مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و در نهایت، حاصل کدگذاری‌های باز، محوری و نظری، ۲۱۶ کد اولیه، ۹ مفهوم و ۳ محور اصلی بود. در تجزیه و تحلیل محوری کدهای اولیه، ۹ مفهوم (روش‌های فرزندپروری) شامل: طرد کردن، محبت/حمایت، مراقبت افراطی، انعطاف‌ناپذیری، ساختار متعادل، آشفتگی، اجبار، قاطعیت/حمایت از خودمختاری، و اهمال/انفعال. این مفاهیم را در عین داشتن وجوه مشترک با هم، می‌توان به لحاظ مفهومی از هم متمایز نمود. در ادامه تحلیل و در کدگذاری نظری، ۹ مفهوم، حول ۳ محور اصلی انسجام یافتند که عبارت بودند از: صمیمیت (طرد کردن، محبت/حمایت، مراقبت افراطی)، ساختار/قانون (انعطاف‌ناپذیری، ساختار متعادل، آشفتگی)، خودمختاری/آزادی عمل (اجبار، قاطعیت/حمایت از خودمختاری، اهمال/انفعال). از سه مفهومی که حول هر محور سازمان می‌یابد، مفهوم میانی، حالتی متعادل و سالم را ترسیم می‌کند و دو مفهوم کرانه‌ای نشان‌دهنده جنبه‌های آسیب‌شناختی آن محور هستند. نتایج این پژوهش نشان داد که بیشتر والدین مورد مطالعه، از نوعی از سبک استبدادی (ترکیب مراقبت افراطی، انعطاف‌ناپذیری و اجبار) استفاده می‌کنند و فرزندپروری سالم (ترکیب محبت/حمایت، انعطاف‌پذیری و حمایت از خودمختاری) در رتبه دوم قرار دارد.

تاریخ دریافت

۱۳۹۷/۹/۷

تاریخ پذیرش

۱۳۹۷/۱۲/۲۷

واژگان کلیدی

فرزندپروری، سلامت، آسیب‌شناسی، صمیمیت، ساختار، خودمختاری

مقدمه

امروزه یکی از دغدغه‌های جاری والدین و روان‌شناسان رشد، پرداختن به این مساله است که چگونه می‌توان فرزندان را پرورش داد که سالم، شاداب و موفق بوده و مطابق با هنجارهای خانوادگی و اجتماعی رفتار نمایند، به عبارت دیگر سوال بسیاری از والدین و روان‌شناسان این است که برای داشتن فرزندان با ویژگی‌های شخصیتی و اجتماعی سازش‌یافته‌تر، باید از چه روش‌ها یا سبک‌های تربیتی استفاده کنیم؟ بر این اساس، مساله فرزندپروری در ادبیات روانشناسی تحولی و مثبت‌نگر از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، چرا که موضوع تربیت فرزند، نخست با سلامت روانی و جسمانی اعضای یک خانواده گره می‌خورد و از این طریق تمام شئون زندگی اجتماعی و آینده جوامع را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

در دهه‌های اخیر نظریه‌های بوم‌شناختی^۱ جایگاه مهمی در پژوهش‌های نوین خانواده پیدا کرده‌اند، این نظریه‌ها حول این ایده شکل گرفته‌اند که رشد انسان از خلال لایه‌های مختلفی از بافت بوم‌شناختی شکل می‌گیرد (۱). از آنجا که معنا را زمینه فرهنگی فراهم می‌کند و چون این زمینه‌ها متفاوت هستند، معنای کنش‌های خاص می‌تواند در زمینه‌های فرهنگی متفاوت، تفسیرهای متفاوتی بپذیرد و مردم جوامع گوناگون می‌توانند، جهان را به شیوه‌های گوناگون درک نموده و تفسیر کنند. از سوی دیگر با توجه به این که باورها و ارزش‌های هر جامعه یک واقعیت فرهنگی است (۲)، پس طبیعی است که فرهنگ‌های مختلف، دارای ارزش‌های متفاوتی بوده یا لاقلاً درک متفاوتی از ارزش‌های خاص داشته باشند. روابط بین کودکان و والدین و نحوه پرورش کودکان نیز که در ابتدا پدیده‌ای طبیعی و نابسسته به فرهنگ به نظر می‌رسد، در

واقع به واسطه شیوه‌های متنوع فرهنگی شکل می‌گیرد. فرزندپروری از یک سو بر اغلب ابعاد زندگی اجتماعی افراد تاثیرگذار است و از سوی دیگر از فرهنگ حاکم بر جوامع تاثیر می‌پذیرد.

یکی از نخستین نظریه‌پردازانی که موضوع فرزندپروری را در روان‌شناسی مورد بررسی و مطالعه قرار داد، بامریند^۲ بود که سبک فرزندپروری را به عنوان روش‌های مختلف والدین برای کنترل و اجتماعی کردن فرزندان تعریف می‌کند. بر اساس نظریه بامریند، سبک‌های فرزندپروری بر اساس دو مولفه اصلی شکل می‌گیرند: ۱- پاسخدهی^۳ یا حمایت: میزان حساس بودن، گرمی و حمایت‌کنندگی والدین؛ ۲- کنترل: انتظارات والدین از رفتارهای فرزندان و کنترل رفتارهای آنان به وسیله اعمال قوانین انضباطی (۳). بامریند مطالعات خود را در بین خانواده‌های طبقه متوسط آمریکایی انگلیسی‌تبار انجام داد و مطالعات اولیه وی یک سبک سالم و دو سبک آسیب‌زا را مشخص کرد: اقتدار منطقی^۴، استبدادی^۵ و سهل‌گیرانه^۶. نتیجه پژوهش‌های بامریند نشان داد که والدین مقتدر با روابط حمایتی گرم و صمیمانه از یک سو و محدودیت‌ها و مرزهای تعریف شده از سوی دیگر، بیشترین شایستگی را در فرزندان پیش‌بینی می‌کنند و برعکس، والدین مستبد و سهل‌گیر، کودکانی با شایستگی اندک تربیت می‌کنند (۴). پژوهش‌های بعدی فرزندپروری، به ویژه پژوهش‌های بین فرهنگی، با مطرح کردن سوالاتی نظریه بامریند را در بافت فرهنگی مورد بررسی قرار دادند؛ (۱) آیا برداشت و تعریف والدین از مولفه‌های کنترل و حمایت در فرهنگ‌های مختلف یکسان

2. Baumrind

3. responsiveness

4. authoritative parenting style

5. authoritarian parenting style

6. permissive parenting style

این تفاوت ریشه در آموزه‌های کنفوسیوس در مورد خودکنترلی، بازداری هیجانی و حفظ فاصله عاطفی در روابط دارد (۷).

دومنکرودریگز، دونوویچ و کراولی مفهوم‌سازی دو بعدی (پاسخدهی و کنترل) بامریند از سبک‌های فرزندپروری را مورد انتقاد قرار داده و معتقدند که ابعاد فرزندپروری مبتنی بر سه مولفه پاسخدهی، کنترل و تفویض اختیار^۲، درک بهتری از ویژگی‌های^۳ فرزندپروری به دست می‌دهد. بر همین اساس، آنها دامنه‌ای از هشت سبک فرزندپروری (اقتدار منطقی، استبدادی، سهل‌گیرانه، اغماض‌کننده^۱ و ۲، سرد، وابسته‌ساز و محافظ) را بر اساس ترکیب ابعاد سه‌گانه در بین خانواده‌های مهاجر اسپانیایی زبان از آمریکای لاتین^۴، مورد بررسی قرار دادند. دو سبک اقتدار منطقی و محافظ جنبه‌های سالم و مابقی سبک‌ها جنبه‌های آسیب‌شناسانه را نشان می‌دهند. آنها همچنین نشان دادند که میزان شیوع این سبک‌ها در گروه نمونه متفاوت است از آنچه که بامریند در بررسی‌های خود گزارش داده است، در واقع تنها ۳۳ درصد از نمونه آنها در سبک‌های کلاسیک بامریند قرار گرفتند، در حالی که ۶۱ درصد از والدین در طبقه محافظ^۵ جای گرفتند (۱۰).

اسکینر، جانسون و اسنایدر با طرح این موضوع که اغلب رویکردهای سنتی و جاری به فرزندپروری، مولفه‌های فرزندپروری را بر روی سه پیوستار گرمی-طرد؛ ساخت‌دار-آشفته؛ حمایت از خودمختاری-اجبار ترسیم کرده‌اند، به طرح این سوال پرداختند که آیا فرزندپروری را میتوان به خوبی توسط جنبه‌های دو قطبی یا پیوستاری (مانند گرمی در برابر طرد) تعریف نمود و یا جنبه‌های چندگانه (تک

است؟ ۲) آیا شیوع سبک‌های ذکر شده توسط بامریند در همه فرهنگ‌ها یکسان بوده و همان پیامدها را دارند؟ پژوهش‌های قابل توجهی (۵؛ ۶؛ ۷) نشان داده است که سامانه باورهای فرهنگی والدین^۱ و به تبع آن اهداف تربیتی و سبک‌های فرزندپروری آنها با توجه به تفاوت‌های بین فرهنگی و درون فرهنگی در سامانه معنایی، از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت می‌شود. ادبیات پژوهشی (۸؛ ۷؛ ۹؛ ۱) حاکی از این است که علت تفاوت در سبک‌های فرزندپروری بین جوامع و گروه‌های قومی مختلف، به تفاوت‌های فرهنگی در ارزش‌های تربیتی و معنای مولفه‌های اصلی فرزندپروری (پاسخدهی، کنترل و تفویض اختیار) برمی‌گردد؛ به عبارت دیگر مولفه‌های خاص، معنای متفاوتی برای فرهنگ‌های مختلف دارند، به عنوان مثال والدین مهاجر آسیایی آمریکایی اعتقاد دارند که کودکان نیازمند راهنمایی‌های بیشتری برای رشد مطلوبشان هستند، بنابراین از نظر این والدین کنترل رفتار بچه‌ها، نه تنها ضروری است، بلکه خود نوعی مسوولیت مهم برای والدین به شمار می‌رود، بنابراین طبیعی است که این والدین، بیشتر از والدین اروپایی آمریکایی، با استفاده از کنترل به فرزندپروری بپردازند (۱). والدین آسیایی آمریکایی عموماً، به ویژه پدران، به صورت گشاده‌ای به ابزار هیجان خود نمی‌پردازند، یعنی فرزندانشان از حمایت‌های ابرازی برخوردار نیستند، به جای آن، آنها عشق و احساسات خود را در قالب حمایت‌های ابزاری (مانند برآورده ساختن کوچکترین نیازها، توجه ویژه به مسایل آموزشی) و فداکاری نشان می‌دهند (۹). پژوهش‌هایی نشان داده‌اند که که نوجوانان چینی آمریکایی، در مقایسه با نوجوانان اروپایی آمریکایی، سطوح پایین‌تری از گرمی و محبت والدین را گزارش کردند. آنها معتقدند که

1. parent's Cultural belief systems

2. autonomy granting

3. characteristics

4. Spanish speaking Latino families

5. protective

داده‌اند که بر خلاف خانواده‌های آمریکایی (نمونه مورد بررسی بامریند)، یک سبک تربیتی توأم با کنترل شدید به همراه روابط هیجانی گرم و پاسخگو بیشترین بازده مثبت را در بین خانواده‌های مهاجر ایرانی، آفریقایی، چینی، کره‌ای و پورتوریکویی داشته است (۴). در همین زمینه، پژوهشی نشان داد که دستورالعمل‌های مستقیم و کنترل والدین ایرانی، می‌تواند پیامدهای اجتماعی و یادگیری مثبتی برای فرزندان آنان داشته باشد (۴). به نظر می‌رسد، در فرهنگی که فرمانبرداری، ادب و احترام و انجام نقش‌های خانوادگی مهم تلقی گردد، رفتارهای کودک به دقت زیر نظر گرفته می‌شود (۴).

مرور پژوهش‌های فوق حاکی از نوعی کاستی و خلاء در زمینه پژوهش‌های فرزندپروری در بافت فرهنگ ایران است؛ نخست اینکه اغلب پژوهش‌های فرزندپروری در ایران، به دنبال ارائه الگوی بومی فرزندپروری نبوده‌اند، بلکه فرزندپروری به عنوان یکی از متغیرهای پژوهش آنها مورد بررسی قرار گرفته و تنها دستاورد آنها مستندسازی برای نظریه‌های اصلی، در فرهنگ ایران بوده است؛ و نکته دوم و بسیار مهم این است که قریب به اتفاق پژوهش‌های این حوزه در قالب بررسی‌های کمی انجام شده است، در حالی که برای بررسی و اکتشاف مولفه‌های فرهنگی فرزندپروری، صورت‌بندی یک پژوهش کیفی ضروری است، یک روش استقرایی^۱ و اکتشافی^۲ که به پژوهشگر امکان می‌دهد در مواردی که امکان تدوین فرضیه وجود ندارد بجای استفاده از نظریه‌های برجسته^۳، خود به تدوین یک نظریه^۴ اقدام کند. این نظریه جدید نه بر مبنای نظر شخصی پژوهشگر که در واقع بر اساس داده‌های گردآوری شده از محیط واقعی و در شرایط واقعی

قطبی (مانند گرمی و طرد) توصیف بهتری از این مفهوم به دست می‌دهند؟ به نظر آنان، اگرچه الگوهای دو قطبی ساده‌تر و قابل درک‌تر می‌باشند، اما، در صورتی که ثابت شود، سازها چندبعدی هستند، به این معنی خواهد بود که برخی از پیچیدگی‌های فرزندپروری و یا سبک‌های فرزندپروری در مفهوم‌پردازیها و ارزیابی‌های سنتی مورد توجه قرار نگرفته‌اند. بر این اساس، آن‌ها در پژوهش خود، بر شش ویژگی اصلی فرزندپروری (گرمی، طرد، ساخت، بی‌نظمی، اجبار و حمایت از خودمختاری) تمرکز داشته و با استفاده از یک الگوی انگیزشی آنها را تلفیق و سازماندهی کرده و این شش ویژگی را به عنوان پایه و اساس پرسشنامه‌ی فرزندپروری خود، قرار داده‌اند (۱۱).

از آنجا که فرهنگ‌های مختلف انتظاراتی متفاوتی در مورد رفتارهای اعضایشان دارند (۱۲) و از سوی دیگر با توجه به ماهیت پویای فرهنگ‌ها در طول زمان (۱۳)، ممکن است برخی از نظریه‌ها که در فرهنگ خاصی مطرح شده‌اند، از یک سو قابلیت کاربرد کامل برای سایر فرهنگ‌ها را نداشته باشند و از سوی دیگر، مناسب مقتضیات و ملزومات زمان حال نبوده و به عبارت دیگر نیاز به بازنگری و به‌روز شدن داشته باشند. با وجود تغییر و تحولاتی که در نظریه‌های فرزندپروری در طول زمان و بافت‌های فرهنگی مختلف صورت گرفته است، در ادبیات پژوهشی ایران توجه چندانی به این موضوع نشده و بسیاری از پژوهش‌های جدید فرزندپروری هم با تکیه بر نظریه اولیه بامریند و با استفاده از مقیاس فرزندپروری بامریند طراحی و اجرا می‌شوند (۱۴)؛ ۱۵؛ ۱۶). این در حالی است که پژوهش‌های معدودی که در میان مهاجران ایرانی صورت گرفته، حاکی از تفاوت‌های فرهنگی در زمینه فرزندپروری است، به عنوان مثال کارلسون و هاروود نشان

1. inductive
2. exploratory
3. Grand Theories
4. theory development

نوجوان ساکن تهران و کرج در مقطع زمانی تابستان ۱۳۹۵ تا تابستان ۱۳۹۶ است. تهران و کرج به این دلیل به عنوان مکان اجرای پژوهش انتخاب شد که می‌توان آن‌ها را به نوعی ایران کوچک تعبیر نمود، چرا که طیف وسیعی از اقوام و خرده‌فرهنگ‌های ایران در این دو شهر حضور دارند.

انتخاب نمونه در روش کیفی به ندرت احتمالی یا تصادفی است، در عوض تمامی آنها هدفمند^۱ و مبتنی بر مقصود پژوهش صورت می‌گیرد (۱۸). روش نمونه‌گیری هدفمند به معنای انتخاب هدفدار نمونه‌های پژوهش جهت دسترسی به اطلاعات مورد نظر در زمینه خاص است، که امکان حداکثری درباره پاسخ سوالات مورد نظر را فراهم می‌سازند (۱۹). در پژوهش حاضر نمونه‌ای که اطلاعات حداکثری را در اختیار پژوهشگر قرار می‌داد، والدینی بودند که دارای فرزند نوجوان باشند. علاوه بر این در انتخاب نمونه مورد نظر تنوع زبان‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها نیز لحاظ شد، به عبارت دیگر والدینی از قومیت‌های مختلف ایرانی در نمونه حضور داشتند. به عبارت دیگر روش نمونه‌گیری پژوهش حاضر نمونه‌گیری هدفمند با تغییرات بیشینه^۲ است.

در خصوص حجم نمونه، بر اساس اصل اشباع اقدام شد؛ اشباع نظری زمانی اتفاق می‌افتد که در رابطه با مقوله‌های مورد نظر، هیچ داده جدید و مرتبطی یافت نشود و چنین جلوه کند که رابطه بین مقوله‌ها به خوبی تثبیت شده است (۲۰). در پژوهش حاضر در کدگذاری اولیه اهداف و ارزش‌های فرزندپروری والدین ایرانی، اشباع در مصاحبه ۴۲ حاصل شد ولی مصاحبه‌ها تا مصاحبه ۴۴ ادامه یافت.

تدوین می‌شود. به بیان دیگر، روش داده‌بنیاد، روشی است برای شناخت پیرامون موضوع مورد مطالعه، موضوع یا موضوع‌هایی که قبلاً پژوهش‌های جامعی در مورد آن انجام نشده و دانش ما در آن زمینه محدود است و یا نیازمند اتخاذ نگاهی نو به آن هستیم. در بین پژوهش‌های کیفی انجام شده در ایران، تنها یک پژوهش، به بررسی سبک فرزندپروری موفق پرداخته و ابعاد دیگر فرزندپروری را در نظر نگرفته است (۱۷). بنابراین طراحی و اجرای پژوهش‌هایی از این دست می‌تواند شکاف‌های نظری، اندازه‌گیری و کاربردی الگوهای رایج را پر کرده و الگویی متناسب با فرهنگ بومی ما را ارائه دهد. استخراج مولفه‌های فرهنگی فرزندپروری والدین ایرانی حداقل به سه دلیل از اهمیت بسیاری برخوردار است: (۱) سنجش دقیق‌تر رفتارهای والدینی را تسهیل کرده و میسر می‌سازد؛ (۲) امکان بررسی پیامدهای مثبت و منفی رفتارهای والدینی ویژه فرهنگ ما را فراهم می‌کند؛ (۳) مسیر روشن‌تری را در جهت آموزش مهارت‌های فرزندپروری مبتنی بر فرهنگ دینی و ملی ایرانیان ترسیم می‌کند. بر این اساس در پژوهش حاضر، با طراحی یک پژوهش کیفی به استخراج مولفه‌ها و جنبه‌های سلامت و آسیب‌زای فرزندپروری در فرهنگ والدین مسلمان ایرانی پرداخته شد.

روش

طرح پژوهش

پژوهش حاضر، از حیث هدف جزو مطالعات بنیادی، از نظر ماهیت داده‌های جمع‌آوری شده جزو مطالعات کیفی و شیوه مورد استفاده در آن، نظریه زمینه‌ای یا داده‌بنیاد است.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه پژوهش شامل کلیه والدین دارای فرزند

1. purposeful or purposive
2. maximum variation

نظریه خودتعیین‌گری، به درونی کردن ارزش‌ها و هنجارها کمک کرده و در تحول احساس ارزشمندی و شایستگی کودکان موثر است. سه مفهوم کلی اجبار، قاطعیت و اهمال/انفعال حول محوری به نام خودمختاری/آزادی عمل، منسجم شدند؛ در اینجا نیز اجبار و اهمال دو بعدی هستند که فرایند تحول خودمختاری را مختل می‌نمایند و حمایت از خودمختاری/ قاطعیت نقطه تعادلی است که به تحول بهینه خودمختاری در فرزندان کمک می‌کند.

طرد، محبت/حمایت و خدمات افراطی حول محور صمیمیت جمع می‌شوند، طرد و خدمات افراطی، صمیمیت را مختل می‌کنند و محبت/حمایت بهینه حالتی متعادل است که رابطه صمیمانه را به صورتی مثبت تحت تاثیر قرار می‌دهد. انعطاف‌ناپذیری در وضع قوانین، ساختار متعادل و منعطف و آشفتگی مفاهیمی بودند که حول محوری به نام ساختار/قانون قرار گرفتند، در اینجا هم انعطاف‌ناپذیری و آشفتگی دو بعد آسیب‌زا در فرزندپروری بوده و ساختار منعطف، حالت متعادلی است که بر اساس

۲- محور ساختار / قانون

مبتنی بر داده‌های به دست آمده، ۳ مقوله انعطاف‌ناپذیری، ساختار متعادل و آشفتگی / بی‌نظمی ذیل محور ساختار / قانون قرار گرفتند.

الف: انعطاف‌ناپذیری: جدول ۵ ویژگی‌های مربوط به مقوله انعطاف‌ناپذیری را نشان می‌دهد:

جدول ۵. کدهای اولیه و ویژگی‌های مقوله انعطاف‌ناپذیری

کمال‌گرایی	باورهای خشک	اطاعت بی‌چون و چرا	وضع و اعمال در جای قوانین
توقع بالا	سیاه و سفید	قوانین سفت و سخت	عدم تناسب جرم و جزا

به جملات والدین در این زمینه توجه نمایید: "چرا دروغ بگم، تاپ بودن برام واقعاً مهمه، احساس میکنم از این طریق به اون هدف‌های دیگه اش هم میرسه (مادر ۳۸ ساله)". "هر اشتباهی بکنه از بیرون رفتن محروم میشه، اینو از اول گفتم (پدر ۴۱ ساله)". باید همه چی مرتب باشه، باید همه چی سر جاش باشه، به هم ریختگی رو تحمل نمیکنم (مادر ۵۰ ساله). "پسر من باید از لحاظ اخلاقی، رفتاری تو خونه یک جورایی مطیع باشه، این تقاضای منه شخصاً (مادر ۳۹ ساله)". "بچه باید رام باشه (پدر ۴۵ ساله)".

ب: مقوله ساختار متعادل / انعطاف: جدول ۶ کدهای مربوط به مفهوم ساختار متعادل / انعطاف را نشان می‌دهد:

جدول ۶. کدهای مربوط به مقوله ساختار متعادل / انعطاف

انتظار در حد توان	آموزش قوانین	برنامه‌ریزی و چهارچوب	توجه به سن کودک در وضع قوانین
انتقادپذیری	انعطاف در وضع قانون	اطلاعات طبقه‌بندی شده	شناخت و ارتباط با دوستان فرزند
تناسب جرم و جزا	ابلاغ صریح قوانین	آشنایی با خانواده دوستان	وضع قوانین شفاف و قابل فهم
توجه به تفاوت نسلی	وفای به عهد	راهنمایی و آگاهی دادن	قوانین استفاده از رسانه/فضای مجازی
نظم	پاسخگویی به سوالات	بیان عواقب پیروی نکردن	

براش وقت بذارم و جواب بدم، اگه نتونم میگم الان وقت ندارم یا اگه ندونم میگم از بابات پیرس (مادر ۴۳ ساله)". انعطاف در وضع قوانین و انتقادپذیری هم از اجزای دیگه ساختار متعادل است: "بعض مواقع ها بچه‌ها اعتراض می‌کنن، پیش اومده یه موقه‌هایی قانع شدیم و قانون رو تغییر دادیم (پدر ۴۳ ساله)".

ج: مقوله آشفتگی / بی‌نظمی: جدول ۷ کدهای مربوط به مفهوم آشفتگی / بی‌نظمی را نشان می‌دهد:

وضع قوانین و حد و مرزهای شفاف و قابل فهم از کلیدواژه‌های اصلی این مفهوم است، پدر ۴۰ ساله‌ای در مورد وضع قوانین چنین می‌گوید: "ما در خونه مثل مجلس دور هم جمع میشیم و قانون میذاریم، برای بچه‌ها در مورد آمد و رفت و ساعت خواب و اینترنت و... برای بزرگترها در مورد وقت گذروندن با بچه‌ها و...". آموزش قوانین، پاسخگویی به سوالات، راهنمایی فرزندان و بیان پیامدهای عدول از قوانین نیز از ویژگی‌های این مفهوم است. والدین در این زمینه چنین گفته‌اند: "پسر من اگه سوالی یا مشکلی داشته باشه اولین نفری که میگه منم، معمولاً سعی میکنم در اولین فرصت یا همون موقع

جدول ۷. کدهای مربوط به مقوله آشفتگی / بی‌نظمی

بی‌نظمی	اجبار / اهمال متناوب	فقدان قانون	قوی باش، اما نه در برابر من
تنبیه ناگهانی و بدون توضیح	غیر قابل پیش‌بینی بودن	قوانین ناقص	اهمال دینی / اجبار تحصیلی
		دوگانگی در رفتار	اجبار دینی / اهمال سایر حوزه‌ها

این مولفه است: "توی خونه ما هیچ چیزی قابل پیش‌بینی نیست، اتفاقات غیر مترقبه زیاد می‌افتد، اینکه میگن جنگل مولا مصداق خونه مائه. ۲۰ ساله ندونستم فاز بابام چیه، برای یه کاری یه روز میگه اشکالی نداره فردا تنبیه میکنه یک هفته کویته یهو میشه زیمبابوه" (فرزند ۲۰ ساله). "بدون هیچ توضیحی یهو یه کشیده میخوابونه تو گوشت، بعد میفهمی که مثلاً مامانم بهش گفته فلانی شلوغ کرده" (پسر ۱۷ ساله).

۳- محور خودمختاری / آزادی

الف: اجبار: جدول ۸ کدهای مربوط به مفهوم اجبار را نشان می‌دهد:

فقدان قانون یا قوانین ناقص، مبهم و غیر الزام‌آور از ویژگی‌های بارز مفهوم آشفتگی / بی‌نظمی است. به جملات زیر توجه نمایید: قانون مند نیستیم. نه اینجوری نیستیم. میتونه خودش هر کاری خواست بکنه، خودش باید برنامه‌ریزی بکنه (پدر ۴۵ ساله). خونه ما قانون خاصی نداره (مادر ۳۷ ساله). بچه‌های من، چون خودم شاغل بودم و خونه نبودم، خیلی مستقل بزرگ شدن (مادر ۴۲ ساله). از نظم و انضباط نگیان آقای دکتر، افتضاحم افتضاح (مادر ۳۷ ساله). غیر قابل پیش‌بینی بودن، تغییر سریع قوانین، تنبیه ناگهانی و بدون توضیح از دیگر ویژگی‌های اصلی آشفتگی است. جملات زیر که از زبان فرزندان نقل شده است نشان‌دهنده

جدول ۸. کدهای مربوط به مقوله اجبار

القای اهداف نرسیده خود به فرزندان	نصیحت و تذکر بی‌وقفه	ایجاد احساس گناه
جواری جویی / مراقبت افراطی	هدایت اجباری	القای غیرمستقیم خواسته‌ها
چک کردن پنهانی کیف و گوشی	نگرانی افراطی	قانع‌سازی اجباری
انتظار و تقویت رفتارهای بزرگتر از سن	سرکوب احساسات	محدودیت شدید
بحث خیلی زیاد با فرزند: جنگ قدرت	وضع و اعمال در جای قوانین	خفه کردن با فوق برنامه
سرمایه‌گذاری زیاد برای تحصیلات	وعده / تطمیع	مقابله به مثل
خدمات مشروط به اقامه فرائض	دستور زیاد / اعمال فشار	تحریم کامل
تهدید شدید / ارباب	سخت‌گیری	اطاعت بی‌چون و چرا
تهدید: چغولی به پدر	فقدان آزادی عمل	ترساندن
فشار افراطی برای مناسک دینی	کنترل نامحسوس	همه‌کار توانی: من باید بتوانم

خودم نیست". "اگه منو دوست داری باید به حرفم گوش بدی، گوش نمی‌دی یعنی دوستم نداری" (مادر ۴۵ ساله). "خدایی خیلی خوبن، بگم آب رو نخور نمی‌خورن، یا می‌زارمشون خونه میرم بیرون میگم به چیزی دست نزنن حتی می‌خوان از یخچال چیزی بردارن زنگ می‌زنن مامان اجازه می‌دی ما فلان کار رو انجام بدیم یا نه" (مادر ۳۸ ساله، سه پسر ۱۷، ۱۴ و ۷ دارد). "سعی می‌کردیم برای لباس

جملاتی از والدین که نشانگر اجبار است: "اینکه بره با دوستش بگرده نیست با خودم باشه راحت‌ترم" (پدر ۴۵ ساله). مادر ۴۱ ساله می‌گوید: "فکر میکنم دارم به بچه‌هام آسیب می‌زنم، مدام نگران و گوش بزنم، خیلی چک می‌کنم، گیر میدم، ازشون توقع زیادی دارم، بحث میکنم و مخصوصاً با پسر که ۲۰ سالشه درگیر میشیم، خودم هم از این موضوع راضی نیستیم اما دست

خریدنش خودمون بریم، میگفت آخرش همون چیزی که شما میخواین میشه، نمیذارین اون چیزی که من میخوام بخرم، از بچگی چون خودم لباساش رو می خریدم تنهایی الان نمیتونه بره خرید. گاهی اوقات بهش پیشنهاد میدم برو، احساس میکنم نمی‌تونه بلد نیست، باز مجبور می‌شم خودم باهاش برم اون چیزی میشه که من خودم می‌خوام خرید کنه" (مادر ۳۹ ساله).

ب: مقوله حمایت از خودمختاری / قاطعیت

جدول ۹ کدهای مربوط به مقوله حمایت از خودمختاری / قاطعیت را نشان می‌دهد:

جدول ۹. مقوله حمایت از خودمختاری / قاطعیت و کدهای مربوط به آن

انعطاف در اجرای قانون	تعویض نقش	ارضا / محرومیت بهینه	ترجیح انگیزه درونی به بیرونی
رعایت حریم خصوصی فرزند	امتیاز دادن بهینه	تنبیه بهینه	تشویق و دعوت مستدل برای فرائض دینی
نظارت روی دوستیابی فرزند	اخم / اجتناب موقت	کنترل متعادل	تشویق و دعوت برای تحقیق در دین
احترام به نظرات فرزندان	راهنمایی در حد لازم	نظارت مستمر	ایستادن در برابر خواسته‌های نامعقول
راهنمایی با تفویض اختیار	آزادی عمل بهینه	تلنگر، عبرت‌آموزی	تذکر دادن / یادآوری کردن قوانین
قاطعیت در اجرای قوانین	دموکراسی / عدالت	احترام به علاقه فرزند	در نظر گرفتن تفاوت‌های فردی فرزندان
توضیح علت خشم و تنبیه	انتقادپذیری / آزادی بیان	اعتماد به فرزند	حمایت از استقلال طلبی فرزند
اتمام حجت	نظارت بهینه	مسئولیت و حمایت توأمان	دادن حق انتخاب / احترام به انتخاب فرزند
تناسب جزا با جرم	نظم و انضباط	انتظار به اندازه توان	دادن مسئولیت به خود فرزند

گوشی برم گوشیشون رو چک کنم" (مادر ۴۰ ساله). نظارت مستمر و متعادل در حوزه‌های مختلف تحصیلی، ارتباطی، خانوادگی و دینی به همراه تذکر، تلنگر، عبرت‌آموزی، تعویض نقش و اتمام حجت از دیگر ویژگی‌های والدین قاطع است. به جملات زیر توجه نمایید: "یک سری مراقبت‌ها و نظارتهایی داریم، تو فضای مجازی چه کار میکنه، کجا میره با کی میره، درسش در چه اوضاعیه و از این مسایل. خودش هم میدونه که تو این زمینه‌ها باید پاسخگو باشه، اما بهش گفتیم که حق داره با دوستای مورد تایید خانواده رفت و آمد کنه، مشکلی نیست، گوشی داشته باشه ولی با نظارت ما مثلاً خودش اینترنت نداره و در حد محدود از اینترنت من یا پدرش استفاده میکنه" (مادر ۴۱ ساله).

ج: مقوله اهمال / انفعال: جدول ۱۰ کدهای مربوط به مقوله اهمال / انفعال را نشان می‌دهد:

به جملات والدین در این زمینه توجه نمایید: "انتظار دارم تا او نجایی که در توانش هست تلاش کنه اگه خودش علاقه نداشته باشه فایده ای نداره که، نمیشه زورش کنم بگم تا اینجا باید بخونی" (مادر ۵۰ ساله). "دوست دارم فکر کنه خانواده اش چه جور اعتقادی دارند دیگران چه جور، اونیکه خودش دوست داره رو انتخاب کنه" (مادر ۵۰ ساله). "... اونجوری هم نیستش که اون آرزوهای من رو بچه هام بهش برسن، بالاخره انسانه، هر مدلی که خودش دوست داره" (مادر ۳۹ ساله). "سعی می‌کنیم خواسته‌های اون‌ها بیشتر باشه تا خودمون مثلاً اگه مسافرتی بخوایم بریم نظر اون‌ها بیشتر مهمه که کجا بریم، اگه برای خرید چیزی باشه، ازشون مشورت می‌خوایم اگه وسیله نقلیه‌ای بخوایم بخریم چی بیشتر دوست دارن، یا لباسشون خودشون تصمیم می‌گیرن برای خریدش" (مادر ۴۱ ساله). "من آدمی نیستم که اهل چک کردن پنهانی باشم. بخاطر اینکه میگم هر کسی حریم شخصی داره، بچه‌های الان، کار قشنگی نیست که من بخوام سر

جدول ۱۰. کدهای مربوط به مقوله اهمال / انفعال

بی تفاوتی	اعتماد ساده لوحانه	سرکوب احساسات خود
عدم توجه به روابط فرزند	اهمال بعد از اجبار	عدم اجرای درست قانون / فقدان جدیت
عدم توجه به رفت و آمد فرزند	فقدان نظارت	تسلط عضوی به جز والدین در خانه /
حضور ناکافی در خانه	کناره گیری / رها کردن	فرزندسالاری
مسئولیت ناپذیری	کوتاه آمدن	

از دیگر ویژگی‌های والدین اهمالکار است. به جمله مادر ۲۹ ساله‌ای توجه نمایید: "واقعا مسئولیت پسرم برام عذاب‌آور، یه بار خیلی سنگین که نمیتونم اونو بکشم، از ۷ صبح تا پنج بعد از ظهر میذارمش دو شیفت مهد و از ساعت هفت هم میسپرمش به شوهرم خودم حوصله ندارم".

در این پژوهش سعی شد جنبه‌های مثبت و منفی یا سالم و نابهنجار فرزندپروری والدین مسلمان ایرانی مورد مطالعه قرار بگیرد. در این بخش یک آمار کمی از فراوانی کدهای استخراج شده ارائه شده که تا حدی وضعیت موجود فرزندپروری در والدین مورد مطالعه را به نمایش می‌گذارد.

بی تفاوتی و خنثی بودن در خانواده و عدم توجه به آنچه در پیرامون او می‌گذرد، یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های اهمال / انفعال است. آقای ۲۰ ساله می‌گوید "پدر من کسی هستش که وقتی کار خوبی می‌کنی نمیبینه، وقتی کار بدی هم میکنی باز هم نمیبینه، یه موجود بی تفاوتیه که همینجوری تو خونه هستش. همه چی روی دوش مادرمه". حضور ناکافی در خانه و تک‌بعدی بودن از دیگر مصادیق والدین اهمال کار است: "من خیلی نبودم آقای دکتر همه چی دست خانمم بود، وظیفه من پول درآوردن بود، الان هم خیلی با من کاری ندارن" (پدر ۵۴ ساله). مسئولیت‌ناپذیری

جدول ۱۱. رتبه‌بندی مفاهیم روش‌های فرزندپروری از نظر میزان فراوانی

مقولات	تعداد کدها	مجموع فراوانی کدها	نسبت
خدمات افراطی	۹	۱۱۵	۱۲/۷۸
انعطاف ناپذیری / خشکی	۸	۸۵	۱۰/۶۳
اجبار	۳۰	۲۴۵	۸/۱۷
ساختار متعادل / انعطاف	۱۹	۱۵۹	۷/۹۵
محبت / حمایت	۵۳	۳۸۰	۷/۱۷
حمایت از خودمختاری / قاطعیت	۳۶	۲۴۶	۶/۸۳
طرد	۳۶	۲۴۲	۶/۷۲
اهمال / انفعال	۱۳	۶۲	۴/۷۷
آشفستگی / بی‌نظمی	۱۰	۴۵	۴/۵۰

بحث و نتیجه‌گیری

اکتشاف و استخراج مولفه‌ها و الگوهای فرزندپروری والدین ایرانی و میزان شیوع این الگوها پرداخته است؛ و دوم اینکه تغییراتی در ساختار نظریه‌های پیشین فرزندپروری ایجاد کرده و در پهنه نظری، گامی رو به جلو برداشته است.

در پهنه نظری، در مقایسه با نظریه فرزندپروری بامریند، پژوهش حاضر ابعاد جدیدی از این مفهوم را نشان داده و شکل گسترده‌تر و کاملتری را به نمایش می‌گذارد؛ دو محور اصلی در نظریه بامریند

هدف اصلی پژوهش حاضر این بود که با طراحی یک پژوهش کیفی به استخراج مولفه‌ها و جنبه‌های سلامت و آسیب‌زای فرزندپروری در فرهنگ والدین مسلمان ایرانی پرداخته و یافته‌های خود را با نظریات شناخته شده در این حوزه تطبیق دهد. در یک نگاه کلی می‌توان اینگونه عنوان کرد که پژوهش حاضر توانسته است دو گام اساسی را در این زمینه بردارد؛ نخست اینکه برای اولین بار به

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر نیز به نظر می‌رسد، نگاه دو بعدی یا دو قطبی گرمی-طرد، آشفتگی-ساختار و اجبار-حمایت از خودمختاری نمی‌تواند تصویر روشنی از فرزندپروری ارائه دهد. از سوی دیگر شش مولفه مستخرج در پژوهش اسکینر و همکاران (۱۱) به ۹ مولفه در پژوهش حاضر افزایش یافته و هر سه مولفه حول یک محور کلی گرد هم آمده است، به این ترتیب که مولفه میانی ترسیم‌کننده یک حالت سالم است و دو مولفه کرانه‌ای حاکی از ابعاد آسیب‌شناختی آن محور به شمار می‌روند، به عنوان مثال محبت حالت سالم محور صمیمیت است و طرد در یک کرانه و خدمات افراطی در کرانه دیگر نشان دهنده دو حالت آسیب‌شناسانه هستند. لازم به ذکر است که الگوی استخراج شده قرابتی تنگاتنگ با نگاه میانه‌رو اسلام در خصوص رفتارهای انسانی دارد، به این معنی که سبک سالم سبکی است میان دو حالت افراطی و تفریطی مجموعه‌ای از رفتارها. بخش را با بحث در خصوص یافته‌های توصیفی پژوهش در خصوص شایع‌ترین سبک‌های فرزندپروری موجود در خانواده‌های ایرانی پی می‌گیریم. همانگونه که در جدول ۱۱ مشاهده می‌شود، سه مقوله خدمات افراطی در محور صمیمیت/حمایت، انعطاف‌ناپذیری در محور قانون/ساختار و شکل خاصی از اجبار در محور اجرای قوانین عناصر اصلی فرزندپروری در والدین ایرانی شناسایی شدند. اگر نگاه دقیق‌تری به ویژگی‌های هر محور بیان‌داریم، متوجه می‌شویم که بخش قابل توجهی از والدین مورد مطالعه چنین ویژگی‌هایی را دارند: مسئولیت‌پذیری افراطی، خدمات و ارضای افراطی نیازهای فرزندان، ندادن مسئولیت به فرزندان، جبران محرومیت‌های گذشته خود برای فرزندان بدون توجه به علایق شخصی آنها، باورهای کمال‌گرایانه نامنعطف، قوانین سفت

(۳) به سه محور اصلی گسترش پیدا کرده و بر اساس ترکیب‌های مختلف مفاهیم نه‌گانه، تعداد سبک‌های فرزندپروری می‌تواند بسیار بیشتر از سه سبک مطرح شده در نظریه بامریند باشد. به عبارت بهتر ترکیب‌های مختلف می‌توانند نوع خاصی از فرزندپروری را به نمایش بگذارند. به عنوان مثال ترکیب سه مولفه محبت/حمایت، ساختار متعادل و حمایت از خودمختاری یک سبک سالم را شکل می‌دهند، ترکیب طرد، انعطاف‌ناپذیری و اجبار را می‌توان سبک استبداد سخت نامید؛ ترکیب خدمات افراطی، انعطاف‌ناپذیری و اجبار را می‌توان سبک استبداد نرم نامید؛ ترکیب خدمات افراطی، آشفتگی و اهمال را می‌توان سبک سهل‌گیر نامید؛ ترکیب طرد، آشفتگی و اهمال را می‌توان سبک آشفته نامید. از سوی دیگر یک والد می‌تواند در حوزه‌های مختلف تربیت سبک متفاوتی داشته باشد، به عنوان مثال در والدین ایرانی مشاهده شد که برخی از والدین در زمینه تحصیلی مستبد و در زمینه دینی اهمال‌کار هستند و یا برعکس در زمینه دینی مستبد و در سایر حوزه‌ها اهمال‌کار می‌شوند. سه محور اصلی مستخرج در پژوهش حاضر با مولفه‌های گرمی، انتظار و حمایت از خودمختاری مطرح شده در پژوهش دومنک‌رودریگز، دونوویچ و کراولی (۱۰) همپوشانی دارد، با این تفاوت که پژوهش فوق‌نگاهی دو قطبی به هر مولفه دارد (بالا / پایین) در حالی که در پژوهش حاضر برای هر محور سه مفهوم جداگانه استخراج شده است، در واقع طرد و خدمات افراطی دو قطب بالا و پایین گرمی نیستند و هر کدام مفاهیم مستقلاً به شمار می‌روند. به علاوه مفهوم مستقل دیگری تحت عنوان محبت/حمایت به این محور اضافه شده است. همسو با نظر و یافته‌های اسکینر و همکاران (۱۱)،

به کشف و جستجو در محیط می پردازند، کمتر آنها را محدود می کنند؛ در مقابل مادرانی که می خواهند سازگاری را به بچه هایشان القا کنند، به شدت آنها را محدود می کنند. همچنین، والدینی که گرایش های سازگارانۀ دارند در رفتار فرزندپروری خود بیشتر محدودکننده و کمتر حمایت کننده هستند (خودمختاری در برابر سازگاری: در اهداف کاملاً مشخص است که) (۲۲).

در پژوهش حاضر اشکال مختلفی از استبداد نرم مشاهده شد که در اینجا به آن پرداخته می شود؛ نوع اول: همراه با خدمات رفتاری است، همه امکانات فراهم می شود ولی چهارچوب های خیلی سختی بدون در نظر گرفتن علاقه و خواسته فرزند در نظر گرفته میشود و با اجبار زیادی همراه است؛ نوع دوم: ظاهر این سبک بسیار شبیه محبت است ولی در عمل با آن فاصله زیادی دارد، لحن کلام والدین در این سبک بسیار ملایم است ولی چهارچوب های انعطاف ناپذیر و اجبار در رسیدن به اهداف مد نظر والدین هویدا است. نوع سوم: در نوع دیگری از این سبک ما شاهد این هستیم که والدین به صورت مستقیم با فرزند خود وارد چالش نمی شوند بلکه خواسته های خود را از طریق انتقاد یا تمجید از رفتارهای دیگران پیش می برند، به عنوان مثال با تقبیه رفتارهای نوجوان های همسال فرزندشان رفتار دلخواه خود را القا می کنند.

یکی از نکات برجسته در این زمینه این بود که این والدین عمدتاً در حوزه تحصیلی بسیار سخت گیر و مستبد بودند، یکی از نکات قابل توجهی که در حین مصاحبه ها متوجه شدم این بود که اغلب خانواده هایی که فرزندشان را در مدرسه غیرانتفاعی ثبت نام کرده بودند، مشکلات مالی داشتند ولی به خود فشار بیش از حدی وارد می کردند، چند برابر کار می کنند، از سایر امورات می زدند به نفع

و سخت، توقعات بالا و تلاش شدید برای هدایت اجباری فرزندان در مسیرهای دلخواه خود (مسیرهایی که باور دارند حتماً به نفع فرزندان است). توصیف این دسته از والدین مفهوم استبداد را به ذهن متبادر می کند، ولی این دسته از والدین یک تفاوت اساسی با تعریف کلاسیک سبک استبدادی دارند، و آن اینکه در سبک کلاسیک استبدادی انعطاف ناپذیری و اجبار در کنار مفهوم طرد قرار گرفته و با هم این سازه را شکل می دهند، در حالی که در اینجا ما با خدمات افراطی والدین روبرو هستیم. از سوی دیگر اجبار اعمال شده از سوی این والدین متفاوت از اجبار اعمال شده از سوی والدین مستبد طردکننده است، به عبارت بهتر این والدین بیشتر از راهبردهای اجباری منطقی استفاده کرده و در اصطلاح عامیانه با پنبه سر می برند، آنچنانکه فرزندان این والدین می گویند: "ما اجازه حرف زدن داریم اما در نهایت همانی می شود که پدرم / مادرم می گوید". بر این اساس در پژوهش حاضر مفهوم استبداد را به دو گونه تقسیم کردیم؛ استبداد سخت که با مفهوم کلاسیک استبداد در ادبیات فرزندپروری تطابق دارد و مفهوم استبداد نرم که در پژوهش حاضر به دلیل اضافه شدن مفهوم خدمات افراطی به مفاهیم قبلی فرزندپروری، نمایان شده است.

شرط رفاقت در استبداد، اطاعت و سازگاری است، در واقع این والدین بیشتر دنبال فرزندان سازگار، حرف گوش کن و مطیع هستند تا فرزندان خودمختار. نتایج پژوهشی در این زمینه نشان داد که والدین ایرانی، بیشتر یک فرزند سازگار می خواهند، چرا که کدهای مربوط به سازگاری و اطاعت و قانون پذیری به طور محسوسی بالاتر از کدهای مربوط به خودشناسی و خودمختاری است (۲۱). پژوهش دیگری در این زمینه نشان داد، مادرهایی که خودمختاری برایشان ارزش است، وقتی بچه هایشان

تحصیلات فرزند. فشار زیاد برای پیشرفت تحصیلی فرزند، تب کنکور و دانشگاه خوب چنان خانواده‌ها را در بر می‌گیرد که از سایر جنبه‌ها غافل می‌شوند، به جملات این مادر ۴۲ ساله توجه فرمایید: "من خیلی دوست داشتم کلاس کنکور بیاد به پدرش گفتم این اگه مدرسه دولتی بره کلاس کنکور که نداره صرفاً باید بره بیرون. پیگیر شدم دیدم وقتش اینجا تلف میشه، بره مدرسه باز بره کلاس کنکور تا بیاد خونه شبه، برای همین گفتم میزارمش غیر انتفاعی. بردمش دکتر معین پیگیر شدم گفتن خیلی مدرسه خوبیه خیلی بچه‌ها رو سخت گیری میکنه کنترل میکنه رفتم ثبت نامش کنم دوسه میلیون شهریه باید واریز میکردیم من تا اومدم این پولو جور کنم طول کشید برای هفته ی بعد دیگه پر شده بود، هر کاری کردم گفتن دیگه جا نداریم آوردمش اینجا، الان اومد گفت مامان دوازده منو ببر خسته میشم اصلاً نمیکشتم نمیدونم چرا اینجوری شده، گرما اینجوریش کرده..." وی در ادامه مصاحبه می‌گوید: "چون خیلی دوست دارم پیمان آینده روشنی داشته باشه، مخصوصاً امسال سال کنکورشه، خیلی دلواپسم، میگم این مدرسه آوردمت بخاطر اینکه کلاس‌های کنکور داره، مشکل مالی بود ولی آوردمش."

آرزوهای برآورده نشده خود والدین از یک سو، نگرانی‌ها و تب کنکور از یک سمت و سرمایه‌گذاری مالی از سمت دیگر باعث فشار زیادی بر فرزندان می‌شود تا انتظارات والدین را برآورده کنند. همین مادر در جایی از مصاحبه می‌گوید: خیلی دوست داشتم درس بخونم اما نشد، الان برای بچه‌ها خیلی تلاش می‌کنم. وی تلاش خود را اینگونه توصیف می‌کند: خیلی فشار میارم، الان این مدرسه به زور اومد دوست داشت مدرسه دولتی بره چونکه یازده دوازده سال اونجا خونده میگفت میخوام

همونجا بمونم، پیمان تا پارسال معدلش ۱۹/۵ بود پارسال شد ۱۷/۵، ترم اول ۱۹/۱۶، ترم آخر پنج شیش نمره اومد پایین نمیدونم از کجا لطمه خورد فکر کنم علت اصلیش گوشه‌گوشی بود. کنارش درس کار میکنم، رشته من ریاضی نبود، پسر ریاضی میخونه، بالاخره تا حدی بلدم که سوال جواب کنم، جواباشو با جزوه مقایسه کنم، کتابهایی میخریدم نمونه سوالاتی خوبش رو پیدا میکردم بهش میدادم این کارها رو خیلی انجام میدم هم برای دخترم هم برای پسرم که خداروشکر دخترم وارد دانشگاه شد و ترم پنجه پیمان خیلی دلهره دارم براش، سر همین مشکل پسرم با شوهرم همیشه بحث داریم سر این همش بحثه، میگه میام خونه اینجا مثل مدرسه هستش همش جیغ داد انگار تو معلمی اینا دانش آموزن، این مشکلات و متاسفانه داریم.

ساختار دومی که در جدول شماره ۱۱ مشخص است سه مفهوم مرتبط ساختار متعادل از محور قانون، محبت/حمایت از محور صمیمیت و حمایت از خودمختاری از محور خودمختاری/آزادی عمل است. قریب به اتفاق نظریه‌های مرتبط با فرزندپروری، اساس مراقبت و تربیت را عشق و محبت دانسته‌اند (۲۳، ۲۴، ۱۱). عشق، محبت و حمایت عاطفی والدین برای تجارب حس تعلق کودک ضروری است. در ادبیات روانشناسی از این اصل به عنوان "گرمی" یاد می‌شود که اغلب در برابر طرد قرار می‌گیرد. گرمی مهم‌ترین جنبه‌ی مراقبت است که تقریباً در تمامی مفهوم‌پردازی‌های مرتبط با فرزندپروری به چشم می‌خورد. گرمی که اغلب پذیرش نیز نامیده می‌شود به ابراز عاطفه، عشق، قدردانی، محبت و توجه مربوط بوده و دسترس‌پذیری عاطفی، حمایت، و مراقبت واقعی و حقیقی را شامل می‌شود (۲۳، ۲۴). در ادبیات روانشناسی فرزندپروری از این سه مولفه تحت عنوان فرزندپروری مقتدرانه

یاد می‌شود با این تفاوت که در نظریه بامریند و سایر نظریه‌های مربوط به فرزندپروری (۱۱؛ ۱۰) حد بالای مفاهیم مثبت مانند پاسخدهی و کنترل بالا سبک مقتدرانه را تشکیل می‌دهد در حالی که در پژوهش حاضر حد تعادل سه مفهوم نشانگر یک سبک سالم فرزندپروری است. در این پژوهش برای ترکیب این سه مفهوم، عنوان "فرزندپروری حمایتی" یا فرزندپروری مسئولانه انتخاب گردید.

والدین صمیمی و حمایت‌گر در رتبه دوم بررسی‌های کمی اولیه قرار گرفته‌اند، یافته‌های پژوهش حاضر همسو با پژوهش‌های پیشین (۱۱) نشان می‌دهد که یکی از مولفه‌های اساسی فرزندپروری محبت و حمایت عاطفی است که بیشترین کدها (۵۳ کد) را به خود اختصاص داده است. عنوان محبت/حمایت از این جهت به جای گرمی انتخاب شد که در ادبیات ایران مفاهیم ملموس‌تری هستند و ویژگی‌های بیشتری را در ذهن مخاطب متبادر می‌کنند.

از دل کدهای مربوط به مفهوم محبت/حمایت می‌توان چند زیرمفهوم استخراج نمود: (۱) یکی از ویژگی‌های اصلی والدین صمیمی، توان تنظیم هیجان در خود و فرزند خویش است؛ شناخت فرزند، بیان کلمات محبت‌آمیز، بغل کردن، بوسیدن، نوازش، پذیرش، گوش دادن بدون قضاوت و سرزنش، توجه به احساسات منفی فرزند، بیان احساسات مثبت و منفی به فرزند، تنظیم اضطراب، همدلی کردن و دلگرمی دادن، ترجیح مذاکره به داد و بیداد، خویشتن‌داری در برابر تنبیه بدنی، خونسردی و آرامش در حوادث، انتقادپذیری و عذرخواهی در قبال اشتباهات از جمله کدهایی است که تنظیم هیجان در فرزندان را موجب می‌گردد. (۲) حمایت که دو بعد عاطفی و مادی دارد از دیگر زیرمفاهیم این بخش است؛ اختصاص

وقت برای فرزند، آموزش مهارت‌ها، فراهم کردن خواسته‌های معقول، فراهم کردن امکانات مورد نیاز، توجه به تفریح فرزند، تقویت متناسب با علاقه فرزند، فداکاری، خدمت بدون منت و ارضا/محرومیت بهینه از کدهای این زیرمفهوم است. (۳) ایجاد انگیزه درونی از دیگر زیرمفاهیمی است که می‌توان در این کدها مشاهده نمود؛ قدردانی، تشویق و تحسین بهینه، ایجاد علایق دینی در فرزند، تلنگر، ترغیب و نصیحت دوستانه، دلگرمی و همدلی، اعتماد به فرزند، تقویت متناسب با علاقه فرزند و وفای به عهد از جمله این کدها هستند. (۴) بخشش از زیرمفاهیم دیگری است که می‌توان از کدها استخراج نمود؛ بخشیدن، کوتاه آمدن به‌جا، زود راضی شدن (انعطاف) و فرصت دادن برای اصلاح. بر اساس یافته‌های پژوهش، ابراز محبت و حمایت از نظر والدین ایرانی را می‌توان در چند مقوله خلاصه نمود: (۱) کلامی: عزیزم، جانم، عشقم، گلم، قربونت برم، فدات بشم، درد دل کردن، گپ زدن، تعریف و تمجید، تشکر که رتبه چهارم را دارد؛ (۲) لمسی: بغل، بوس، غلطیدن، لولیدن، کشتی، اسب شدن، نوازش کردن که رتبه پنجم را دارد؛ (۳) ابزاری: خرید چیزهای مورد علاقه، جایزه و خدمات دادن (آسیبشناسی شود بر اساس حساسیت، در دسترس بودن و پاسخگو بودن) که رتبه اول را دارد؛ (۴) رفتاری / حرکتی: پارک، کوه، دوچرخه سواری، دست تکان دادن، چشمک زدن و

بعد دیگر فرزندپروری مسئولانه ساختارمتعادل و قوانین واضح و مشخص است. بر اساس کدهای استخراج شده، ساختار متعادل را می‌توان در چند بند تعریف نمود؛ (۱) تعیین انتظارات و توقعات مشخص والدین در مورد رفتارهای فرزندان؛ (۲) تعیین حد و مرزهای صحیح و نسبتاً با ثبات و متناسب با سن و جنسیت فرزندان؛ (۳) آموزش صحیح قوانین

و پاسخگویی به سوالات و ابهامات فرزندان؛ ۴) انتقادپذیری و انعطاف؛ ۵) توجه به روابط بیرون فرزند و قوانین مربوط به آن نیز از موارد دیگر در این زمینه است، والدین متعادل با دوستان و خانواده دوستان فرزند خود ارتباط گرفته و بعد از شناخت آنها، حد و مرزهای لازم را ترسیم می کنند.

بعد سوم فرزندپروری حمایتی یا مسئولانه حمایت از خودمختاری است که حد تعادل بین اجبار و انفعال است. در ادبیات فرزندپروری، حمایت از خودمختاری مفهومی فراتر از دادن آزادی انتخاب است و نشانگر تشویق کودک به اکتشاف، بررسی، و بیان دیدگاه‌ها، اهداف، و ترجیحات خود به صورت فعال است. یکی از ویژگی‌های اصلی حمایت از خودمختاری نوعی از تعاملات می باشد که در آن به کودک فرصت بیان دیدگاه‌ها و عقاید خود داده شده و دیدگاه‌ها و عقاید او در فرآیندهای برنامه‌ریزی و حل مساله لحاظ می شود (۲۵، ۲۶، ۲۷).

در پژوهش حاضر، مفهوم حمایت از خودمختاری / قاطعیت، بر اساس عنوانی که برای آن انتخاب شده است، دو محور اصلی را در بر می گیرد؛ الف: حمایت از خودمختاری که با ویژگی‌های زیر شناخته می شود: ۱) ترجیح و تقویت انگیزه درونی در برابر انگیزه بیرونی؛ ۲) احترام به علاقمندی‌ها، نظرات، انتخاب‌ها و حریم خصوصی فرزند؛ ۳) اعتماد به فرزند و دادن آزادی بیان و عمل بهینه و تفویض اختیار و مسئولیت متناسب با تفاوت‌های فردی، توان و سن فرزندان؛ ۴) راهنمایی‌های مورد نیاز و تشویق و حمایت فرزند در راستای خودمختاری و تحقیق و مطالعه در حوزه ارزش‌ها و مناسک دینی؛ ۵) انتقادپذیری، دموکراسی، عدالت و پرهیز از تبعیض. ب: قاطعیت که دارای مولفه‌های زیر است: ۱) نظم و انضباط؛ ۲) قاطعیت و انعطاف توأمان در اجرای قوانین مورد توافق خانواده، رضای بهینه،

ایستادگی در برابر خواسته‌های نامعقول و دادن امتیازات معقول؛ ۳) نظارت مستمر و متعادل در حوزه‌های مختلف تحصیلی، ارتباطی، خانوادگی و دینی به همراه تذکر، تلنگر، عبرت‌آموزی، تعویض نقش و اتمام حجت؛ ۴) محرومیت و تنبیه بهینه (مانند اخم / اجتناب موقت، تناسب جزا با جرم) به همراه توضیح علت احساسات و رفتارها.

سومین ساختار فرزندپروری والدین ایرانی به ترکیب طرد، انعطاف‌ناپذیری و اجبار سخت و خشن مربوط می شود. می توان عنوان این ترکیب را "استبداد سخت" نامید. تفاوت عمده استبداد سخت و نرم در رفتار والدین ایرانی برمی گردد به طرد و اجبار سخت، در واقع در محور صمیمیت به جای خدمات افراطی شاهد طرد هستیم و در محور آزادی عمل / خودمختاری شاهد نوعی خشن از اجبار هستیم که توأم با پرخاش کلامی و فیزیکی است. می توان دو نوع از استبداد سخت را در والدین ایرانی تشخیص داد؛ ۱) بسیار خشن، خشک و کوبنده است و هیچ انعطافی ندارد، تنبیه بدنی سخت، توهین، تحقیر، تحکم و اجبار سخت از ویژگی‌های بارز این نوع استبداد است.

کمترین فراوانی مشاهده شده مربوط است به یک سبک اهمال‌کار یا سهل‌انگار، مولفه‌های اهمال / انفعال را می توان اینگونه خلاصه نمود: ۱) خانه قانون دارد ولی یکی از والدین یا هر دوی آنها در اجرا و اعمال قوانین قاطع نیستند؛ ۲) والدین با کوچکترین چالش و فشاری کوتاه می آیند؛ ۳) والدین با کوچکترین چالش و فشاری رها کرده و از صحنه دور می شوند، به عبارت دیگر با مساله درگیر نشده و صورت مساله را با اجتناب پاک می کنند؛ ۴) حضور یکی از والدین یا هر دوی آنها به اندازه‌ای کم‌رنگ است که فرزندان احساس رها شدگی و آشفتگی می کنند؛ ۵) قوانین نصفه و نیمه

شرکت نمودند تقدیر و تشکر می شود.

اجرا می شود، مدتی اجرا می شود، رها می شود و دوباره از سر گرفته می شود؛ ۶) مدیریت خانه از دست والدین خارج شده و دست برادر یا خواهر بزرگتر می افتد.

محدودیت‌های جدی در مسیر اجرای پژوهش حاضر را می توان در دو محور خلاصه کرد، نخست محدودیت‌های بودجه‌ای؛ با توجه به اینکه تمام هزینه‌های پژوهش توسط خود پژوهشگر تامین می شد، محدودیت‌هایی در تامین منابع مالی مورد نیاز برای اجرای گسترده تر پژوهش وجود داشت و دوم سخت‌گیری آموزش و پرورش برای ورود به دبیرستان‌های دخترانه و دعوت از والدین برای مصاحبه بود.

پژوهش حاضر را می توان نخستین گام از سلسله پژوهش‌هایی دانست که می تواند در حوزه فرزندپروری خانواده‌های ایرانی صورت پذیرد. ایده‌های زیر می تواند در پژوهش‌های آتی مد نظر قرار گیرد: گستردگی دامنه پژوهش حاضر، امکان بررسی عمیق‌تر برخی از حوزه‌ها (مانند تنظیم هیجان فرزندان) را محدود نمود، هر کدام از یافته‌های پژوهش حاضر می تواند در پژوهش‌های آتی به شکلی عمیق‌تر مورد کاوش و مطالعه قرار گیرد؛ داده‌های پژوهش حاضر می تواند مبنایی باشد برای تدوین یک ابزار بومی مناسب در حوزه فرزندپروری؛ مقایسه فرزندپروری والدین نسل‌های مختلف می تواند سیر تحولی فرزندپروری در بین نسل‌ها را آشکار سازد؛ مطالعه تطبیقی فرزندپروری در بین اقوام ایرانی نیز از دیگر پیشنهاد‌های پژوهش حاضر است.

تقدیر و تشکر

بر این وسیله از آقای دکتر یزدان منصوریان و آقای فرهاد جوکار که یاریگر بخش کیفی پژوهش بودند و همه والدینی که در پژوهش حاضر

research design: Choosing among five approaches. Thousand Oaks, CA: Sage Publications; 2007.

20. Strauss A, Corbin J. Basics of qualitative research techniques and procedures for developing grounded theory. London: Sage; 1998.

21. Ramezani V, Abdkhodae M S, Tabibi Z, Aghamohammadian Sharbaf H R. Cognitive aspects of Iranian parent's parenting: A qualitative research. *Journal of Cognitive Psychology*, 2018; 6(3), 22-36. [Persian].

22. Gerris J R M, Deković M, Janssens, J M. The relationship between social class and childrearing behaviors: Parents' perspective taking and value orientations. *J. Marriage Fam.*, 1997; 59(4), 834-847.

23. Bowlby J. Attachment and loss: Vol. 1. Attachment (2nd Ed.). New York: Basic Books; 1969.

24. Bowlby J. A secure base: Clinical applications of attachment theory. London: Routledge; 1988.

25. Deci E L, Ryan R M. Intrinsic motivation and self-determination in human behavior. New York: Plenum; 1985.

26. Grolnick W, Ryan R M. Parent styles associated with self-regulation and competence in school. *J. Educ. Psychol.*, 1989; 81, 143-154.

27. Grolnick W, Ryan R M. Parental resources and the developing child in school. In M E Procidano & C B F Fisher (Eds.), *Contemporary families: A handbook for school professionals*. New York: Teachers College Press; 1992. 275-291.